

نمایش سلول‌های خالی زندانیان اعدام‌شده به خبرنگاران خارجی

آزاده‌ای را برمی‌انگیزد هنوز سراسر ایران در ماتم زندانیان به خون تپیده در قتل‌عام زندانیان سیاسی هزادار است. هنوز آوای شوم حاجی‌کربلایی در گوش خانواده‌های اعدام‌شدگان طنین انداز است که: "سه بند شامل ۱۲۰۰ نفر در اوین آب و جارو کرده و درمایش را بسته‌ایم." و احترام مسئول کمیته خاوران که: "۸۶۴۰ نفر را کشته‌ایم چون آدم نشدند." آنانی که از همت فاجعه سخن می‌گفتند، فاش کردند که: "آسایشگاه اوین" دارای ۵۰۰ سلول یک نفره و تعداد کمی اتاق عمومی است... گفته می‌شود از زندانیان قدیمی این قسمت هیچ‌کس زنده نمانده است... در طبقه اول و دوم بخش مردانه فقط حدود ۳۰۰ نفر زنده باقی مانده‌اند. در مجموع این بخش در حدود ۱۰۰ نفر باقی مانده‌اند... از بخش قدیمی اوین هم تقریباً صد نفر باقی مانده‌اند... کلاً از چندین هزار زندانی که قبل از پذیرش قطعنامه در زندان اوین به سر می‌برند، اکنون بین ۴۰۰ الی ۵۰۰ نفر زنده مانده‌اند."

آری سلول‌های زندان اوین را آب و جارو و حتی به گزارش خبرنگاران موکت کرده‌اند تا آن را به نمایش بگذارند و بر جنایت هولناک و هنوز بقیه در صفحه ۳

بنا به گزارش خبرنگاری ما جمهوری اسلامی در یک مانور تبلیغی خبرنگارانی را که برای تهیه گزارش از انتخابات ریاست جمهوری به ایران سفر کرده بودند به بازدید از سلول‌های خالی زندان اوین برده است. در این بازدید به خبرنگاران توضیح داده شده است که ساکنین این سلول‌ها آزاد شده‌اند. همتی تبعکاری رژیم آخوندهای جنایتکار در این مانور تبلیغی رذیلانه خشم بی‌حد هر انسان



دوشنبه ۶ مرداد ۱۳۶۸ برابر با ۱۷ آگوست ۱۹۸۹
به شماره ۲۶۹ سال ششم - شماره ۲۶۹

رفسنجانی به بهانه گروگان‌گیری‌های لبنان به آمریکا پیشنهاد مذاکره داد

* به دنبال قتل سرهنگ آمریکایی توسط حزب الله لبنان بار دیگر دولت آمریکا به دیپلماسی "قایق‌های توپدار" متوسل شد.

مختلف روبرو شد. از جمله دولتهای شوروی و انگلیس آن را محکوم کردند، جرج بوش نارضایتی بقیه در صفحه ۳

بار دیگر لبنان صحنه بروز یک بحران حاد و جهانی شد. دور جدید تشنج در لبنان، که سیزده سال است که جز تشنج بخود ندیده است، بار بوده شدن شیخ عبدالکریم هبیدت توسط دولت اسرائیل آغاز شد و بتدریج بعدی جهانی یافت. شیخ عبدالکریم هبیدت رهبری یکی از گروه‌های حزب الله لبنان بنام "مستضعفان روی زمین" و از طرفداران جمهوری اسلامی است. اقدام اسرائیل، که بهانه آن اسارت سه سرباز و هفت غیرنظامی اسرائیلی بدست لبنانها در سه سال پیش بود، نیمه شب جمعه ۲۸ ژوئیه صورت گرفت. کوماندوهای اسرائیلی شبانه با هلی‌کوپتر بداخل لبنان تجاوز کرده و تانز دیکی محل اقامت شیخ هبیدت در شهرک جبشیت، که پیش از این آن را دقیقاً شناسایی کرده بودند، پیش‌رفته و پس از ریودن او و دو محافظش و کشتن سه نفر خاک لبنان را ترک کردند. این اقدام با اعتراض دولتها و شخصیت‌های



نحوه شمارش آرا در جمهوری اسلامی. با همین شیوه شمارش آرا پانزده و نیم میلیون رای به نفع ریاست جمهوری رفسنجانی اعلام شد. انتخابات ریاست جمهوری و فراتر از آن قانون اساسی شکست آشکار جمهوری اسلامی در کشاندن مردم به پای صندوق‌های رای بود.

در این شماره

- * فدایی شهیدرفیق یدالله صادقی:
"مادر برابر آیندگان مسئولیت خطیری داریم"
- ۲ درصمه
- * دمکراسی درون حزبی در زمان لنین
- ۸ درصمه
- * اعلام موجودیت فراکسیون در مجلس اتحاد شوروی
- ۱۲ درصمه
- * راکووسکی به رهبری حزب متحد کارگری لهستان انتخاب شد
- ۱۳ درصمه

اعترافی به وضعیت فلاکت‌بار اقتصادی

* وزیر امور اقتصادی جمهوری اسلامی:

وام از خارج بگیریم و با فروش نفت آبراجبران کنیم

خلاصه انبان جمهوری اسلامی مملو از آن وعده‌ها و این بهانه‌ها بوده و هست. جمهوری اسلامی همواره مردم را در انتظار تحقق خواسته‌هایشان تا پشت سر گذاشتن این یا آن مانع نگه داشته و تنها اندکی پس از رفع آن مانع، مجدداً مانع تراشیده است تا بر هدم تمایل و هدم بقیه در صفحه ۵

جمهوری اسلامی حکومت شعار و جار و جنجال و وعده وعیدهای تو خالی به مردم است. وعده و وعیدهای رنگارنگی که هر یک و هر بار به بهانه‌ای برآورده نشده‌اند. زمانی به بهانه سازشکاری دولت بزرگان، بعد ریاست جمهوری بنی‌صدر و "توطئه گروهمکهای ضد انقلاب"، بعد جنگ، بعد فقر اقتصادی و غیره.



منم آرش سپاهی مرد آزاده
به تنهاتیر ترکش آز مون تلاختان را اینک آماده
مجوئیدم نسب، فرز ندرنج و کار
گریزان چون شهاب از شب، به صبح آماده پیکار

فدایی شهید رفیق یدالله صادقی :

“مادر برابر آیندگان مسئولیت خطیری داریم”

از خصوصیات رفیق یدی عشق سرشار به کودکان، مهربانی و نذاکاری بود دوستان به شوخی او را مسئول تدارکات و مشاور مسائل خانوادگی می نامیدند. او همیشه در حلقه کودکان بود و می گفت در میان کودکان احساس پرندگی را دارم و شادیم چند برابر است.

دژخیمان در ۱۹ آذرماه ۶۷ یک ماه پس از اتمام دوره محکومیت رفیق یدالله صادقی نراقی، بعد از ۵ ماه شکنجه روحی به خانواده ساک و حلقه ازدواج و سلامت و هینک او را تحویل دادند. هلال اهدام او توسط جلادان رژیم ددمنش خمینی رسماً: فدایی خلق بودن، توبه نکردن، سر موضع بودن، شرکت در ورزش، اهدصاب غذا و کار تشکیلاتی در زندان عنوان شد.

با وجود تهدیدات مکرر جلادان حکومت آخوندهای جنایتکار دایر بر ممنوعیت برگزاری هرگونه مراسم، روز ۲۰ آذر، فدای اعلام خیر، مراسم باشکوهی برای بزرگداشت یاد عزیزش برگزار شد. جمع کثیری از دوستداران و آشنایان یدالله صادقی با دسته های گل به خانه اش شتافتند و با خواندن سرود و شعر، یاد و راهش را گرامی داشتند. در محل مراسم همکسی از او همراه با شعری که بسیار می پسندید جلوه نمایی می کرد؛ ما زنده بر آنیم که آرام نگیریم، مویچیم که آسودگی ما عدم ماست توفان زمزمه و سرود کشتگانمان در راه است.

اسارت از روحیه بسیار بالایی برخوردار بود. او جزا اولین افرادی بود که ورزش دسته جمعی را در زندان اوین آغاز کردند که بعد از چند روز توسط تمامی زندانیان بنده اجرا آمد. این امر بعدها پس از اهدام او توسط جلادان به عنوان یکی از دلایل اهدام ذکر شد. یدالله صادقی از نمایندگان زندانیان برای مذاکره با زندانبانان جلا بود. او از هر فرصتی برای بالابردن روحیه هم زنجیریانش استفاده می کرد او در زندان ۱۹ بهمن سالروز بنیانگذاری سازمان را جشن می گرفت یدالله با استفاده از تجارب شغلی اش (تراشکاری) با وسایل ابتدایی برای کارهای دستی زندانیان ابزار می ساخت. هم بندانش شجاعت و صداقت او را بسیار مورد تاکید قرار داده اند. او در تمام مدت اسارت به رفقاییش می گفت: “از فردای روزی که آزاد شوم با تمام قوا با سازمان خوام بود. ما در برابر آیندگان مسئولیت خطیری داریم.”

در روزهای ملاقات همیشه با لبی پر خنده و گل هایی که از فروشگاه بند تهیه کرده بود به ملاقات خانواده اش می آمد. همیشه برای پسرش سمند شعر می خواند و سمند نیز متقابلاً با شعری به ملاقات پدر می رفت. او از مادرش می خواست تا میوه یا آب نبات به او بدهد تا دور از چشم نگهبانان به پدرش برساند تا چشمش کمتر ضعیف شود (نمره هینک او ناگهان سه شماره بالا رفته بود)

فدایی خلق رایافت و بسیار زود به عضو فعال و پر شور سازمان بدل شد. فعالیت های پرثمر او در تشکل های توده های محله و در محل کار، توانایی او را در کار و ارتباط توده های تجسم می داد. به همت یدی قهرمان همیشه سراسر افسریه پوشیده از اعلامیه ها و تراکت های سازمان بود.

یدالله صادقی در سال ۶۰ ازدواج کرد، به ساده ترین شکل ممکن. می گفت مخارج هروسی را می توان به سازمان کمک مالی داد. حاصل این ازدواج پسر ۵ ساله او به نام سمند است.

پس از دستگیری در سال ۶۵ او را به زیر شکنجه کشیدند. بارها به او تاکید کردند که اگر توبه کند و نرمش نشان دهد آزاد خواهد شد. در اولین ملاقات یدالله به همسرش گفت: “اگر چه دوری از تو و پسرم برایم سخت دشوار است اما در مقابل سازمانم و مردمم تعهد بس سنگینی دارم. اینجا از من خواسته اند توبه کنم. من پاسخ داده ام از چه چیزی توبه کنم از عشق به مردم؟ از عشق به میهن؟ من در تمام مدت زندگیم مرکز کار خلاقی نگردم تا توبه کنم.” به دنبال آن حاکم شرع جلا داد “مبشری” به او اعلام کرد: “تا آخر هم اینجایبایگانی هستی.” جلادان علیرغم اهمال شکنجه های بسیار نتوانستند او را به اعتراف به انجام فعالیت و اقدام معینی وادارند. او به دو سال زندان محکوم شد. یدالله صادقی در تمام مدت

“نه باور نمی کنم که تازیانه، فصیح تر از عشق سخن سردمد و مرگ کلام پایان باشد.” باور نمی کنم که یار همیشگی زحمتکش افسریه تهران، فرزند دلاور رنج و کار، فدایی دلاور و پرتوان رفیق یدالله صادقی نراقی که در موج قتل هم زندانیان سیاسی ایران توسط رژیم بهکار آخوندهای جنایتکار به خاک افکنده شد، دیگر نباشد، مرده باشد. “چرا که کشتگان ترانه هایشان را در توفان خوانده اند” و یدالله زیباترین ترانه اش را زیباترین ترانه زندگی سراسر سرودش را با واپسین نفس هایش سرداد. توفان زمزمه و سرود کشتگانمان در راه است.

او اول اردیبهشت ۱۳۳۵ چشم به جهان گشود. سختی زندگی و مشقت معیشت را از همان دوران کودکی در کنار دیگر مردم محله افسریه تهران لمس کرد. یدالله با آنان و در بطن مبارزاتشان بزرگ شد. مبارزه “خارج از محدوده” مردم افسریه برای سرپناه، گرفتن آب و برق، ساختن مدرسه، آسفالت خیابان های محله، دایر کردن بهداری هر کدام برایش عرصه های مکتبی بود. یدی و خانواده اش با وجود وخامت اوضاع مالی همیشه جزا یاری رسانان خانواده های دستگیرشدگان یورش های پلیس سیاسی رژیم ستم شاهی به زحمتکش افسریه بودند. یدی در روزهای اوج گیری انقلاب سازمانش، سازمان چریک های

رفسنجانی به بهانه گروگان گیری های لبنان به آمریکا پیشنهاد مذاکره داد

بقیه از صفحه اول
خود را از آن ابراز داشت و خاویر پرز دوکوئیار ضمن محکوم کردن آن خواستار آزادی شیخ عبدالکریم و محافظانش شد. جمهوری اسلامی نیز اقدام اسرائیل را محکوم کرد و مطابق معمول آن را نشانه نفرت شدید اسرائیل از اسلام و مسلمانان، تلقی کرد. در اعلامیه ای که وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی به همین مناسبت انتشار داد تلویحا و بدون ذکر اسم، آمریکا را نیز مسئول دانست. از مقامات جمهوری اسلامی تنها محتشمی، وزیر کشور، صراحتا از آمریکا به عنوان ممدست اسرائیل در این اقدام یاد کرد.

انقلابی، که یکی دیگر از گروه های حزب الله لبنان است، نیز تهدید کرد که گروگان آمریکایی دیگری را اهدام خواهد کرد. در واکنش نسبت به اقدام سازمان "مستضعفان" و تهدیدات جدید، اسرائیل روشی مشابه قبل اتخاذ کرد و به تهدیدات وقع چندانی نگذاشت. اسحاق رابین گرچه پیشنهاد مبادله تمام گروگان ها را داده بود اما اعلام کرد که اسرائیل ترجیح می دهد گروگان های خویش را با هملیات نظامی آزاد کند. اهدام سرهنگ هیگنیز از جارج بوش همومی را نسبت به سازمان مذکور و دولت اسرائیل برانگیخت.

مریکا دست به تهدید متقابل سنگینی علیه گروه های لبنانی و همچنین جمهوری اسلامی زد. جرج بوش اعلام کرد که در صورت قتل گروگان دوم آمریکایی، آمریکا به لبنان و ایران حمله هوایی خواهد کرد. مقامات جمهوری اسلامی روش احتیاط آمیزی اتخاذ کردند و ضمن اعلام عدم دخالت در وقایع، توانایی خود را برای تاثیرگذاری روی گروه های حزب الله لبنان پنهان نگذاشتند.

مأصل، تعویق اهدام گروگان های بعدی بود. اما نیروکشی ها شروع شدند. روز چهارشنبه ۵ روز پس از آدم ربایی اسرائیل در خاک لبنان، ۲۵ تاو جنگی ناوگان ششم آمریکا با ۲۴۰۰ ناوی بسوی سواحل لبنان و ناو هواپیمابر "امریکا" بسوی خلیج فارس رهسپار شدند. نیروهای اسرائیل در لبنان بحال آماده باش در آمدند و در جنوب دره بقاع چریک های لبنانی و واحدهای نظامی سوریه خود را آماده مواجهه با حمله بزرگ اسرائیل کردند.

اما هلیرقم اینکه خبرهایی از طرح آزاد ساختن گروگانها توسط آمریکا با توسل به عملیات نظامی گزارش می شود و چنانکه گذشت ناوگانهای آمریکا بسوی لبنان و ایران در حرکت اند، اینک حوادث مسیر آرامتر و قابل پیش بینی تری یافته اند. در روزهای اخیر مواضع آمریکا چهره دیگر خود را آشکارتر کرده است. جرج بوش اظهار داشته است که با بحران پدید آمده باید با عقل و احتیاط مواجه شد. صرف نظر از اینکه حمله به لبنان عاقبت روشن و قطعی ای، مگر رسوایی جهانی، برای بوش نخواهد داشت مواجهه با عقل و

سازمان "مستضعفان روی زمین" در واکنش نسبت به این اقدام تهدید کرد که اگر شیخ هیید تا بعد از ظهر روز دوشنبه ۳۱ ژوئیه آزاد نشود دست به انتقام خواهد زد و ویلیام هیگنیز سرهنگ آمریکایی را، که از فرماندهان نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد در بیروت بود و از فوریه ۱۹۸۸ توسط سازمان مذکور گروگان گرفته شده بود، خواهد کشت.

دولت اسرائیل نسبت به این تهدید و نیز نسبت به اعتراض های بین المللی دم افزون به هملیات تروریستی اش و اعلام نگرانی های مختلف نسبت به جان سرهنگ هیگنیز بی اهتتایی نشان داد و وزارت امور خارجه آن اعلام کرد که اسرائیل در آینده نیز از دست زدن به عملیات مشابهی جهت دفع حملات تروریستی پرهیز نخواهد کرد، اسحاق رابین پیشنهاد مبادله گروگان هایی را که اسرائیل در اختیار دارد با سر بازان و فیر نظامیان اسرائیلی اسیر گروه های لبنانی و نیز سایر گروگان های آنها را به گروه های لبنانی داد. بنا به گزارش یونایتد پرس، پیشنهاد رابین پس از اتمام ضرب الاجل ارائه شد.

روز دوشنبه ۳۱ ژوئیه سازمان "مستضعفان ... " تهدید خود را هملی کرد و سرهنگ هیگنیز را بدار آویخت. با بدار آویخته شدن او، مساله ابعاد وسیعتر و حادثتری بخود گرفت. سازمان مذکور تهدید کرد که اگر اسرائیل شیخ هیید را آزاد نکند "تری ویت"، گروگان انگلیسی را، که از ۱۹۸۷ در لبنان بگروگان رفته است، یک روز پس از اهدام هیگنیز اهدام خواهد کرد. سازمان "عدالت

احتیاط با بحران پدید آمده سمت و سوی دیگری نیز دارد که متوجه ایران است. نه امروز که از آغاز، مساله گروگانها مجوزی برای مقامات هر دو کشور ایران و آمریکا بوده است برای آنکه بتوانند باب مذاکره و تجدید روابط را بگشایند و این بار مساله کاملا جدی تر از دفعات قبل است. تحولات پس از مرگ خمینی و "انتخاب" رفسنجانی به سمت ریاست جمهوری که در سایه بازنگری به قانون اساسی از قدرت "قانونی" اجرایی گسترده ای نیز برخوردار شده است ایجاب می کند که آمریکا جانب عقل و احتیاط را نگهدارد. هنوز فراموش نشده است که طرف اصلی ایرانی ماجرای "ایران گیت" هاشمی رفسنجانی بود. جاری بودن محاسبات مشابهی

در میان جناح رفسنجانی - خامنه ای است که باعث شد رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه همین هفته (۱۳ مرداد) در حالیکه تاکید داشت که در اظهاراتش کاخ سفید را مخاطب قرار می دهد بر لزوم یافتن راه حلی معقول و کوشش جمهوری اسلامی برای یافتن چنین راه حلی جهت مساله گروگانها انگشت گذاشت. او در مقابل از آمریکا خواست که به اسرائیل فشار آورد تا شیخ هیید را آزاد کند. رفسنجانی رسما ابراز داشت که اینگونه امور (البته بعنوان سرآغاز) باید پشت میز مذاکره حل شود. بنا به آخرین اخبار، جرج بوش خرسندی خود را از مواضع رفسنجانی ابراز داشته و رفسنجانی نیز نماینده ویژه ای را به بیروت فرستاد.



سربازان اسرائیلی در حمله به جنوب لبنان، تروریسم دولتی اسرائیل آغازگر تشدید تشنج در لبنان بود.

تمامی زندان های جمهوری اسلامی و تمامی بخش های آن ها بدون محدودیت بازدید کنند. ۳- این هیات باید بتواند آزادانه و بدون حضور مامورین با تمامی باقیمانده زندانیان سیاسی گفتگو کند. ۴- این هیات باید بتواند محل گورهای جمعی کشف شده را مورد بازدید قرار دهد. ۵- این هیات باید بتواند بدون حضور مامورین رژیم با خانواده زندانیان سیاسی اهدام شده گفتگو کند. ۶- تعداد و اسامی اهدام شدگان، انجام و هلت اهدام و محل دفن هر یک از قربانیان این فاجعه به طور جداگانه باید در اختیار هیات مزبور قرار داده شود. در راه تحقق این شروط و خواست ها باید متحد و همبسته و با تمام قوا رزمید. برای مجبور کردن آدم کشان حاکم بر کشور به پذیرش چنین هیاتی باید از تمامی امکانات و اهرم ها سود جست.

نمایش سلول های خالی....
بقیه از صفحه اول
فیر قابل تصور کشتار همگانی زندانیان سیاسی پرده کشند. نه آب و جارو نه رنگ و نه موکت این ننگ بزرگ، این ددمنشی عظیم و فاجعه ملی را مستور نخواهد کرد. همچنان که ما بارها تاکید کرده ایم، بازدید از زندان ها و آثار جنایات رژیم فقا زمانی واقعی و بیانگر حقیقت خواهد بود که:
۱- هیات بازدیدکننده متشکل از نمایندگان سازمان ها و نهاد های ذی صلاح و دارای اطلاعات کافی همچون کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و سازمان هغو بین الملل باشد. این هیات می تواند بوسیله نمایندگانی از سازمان های سیاسی ایرانی جهت ارائه اطلاعات همراهی شود. سازمان ما آمادگی خود را برای اهرام نمایندگانی بدین منظور اعلام می دارد.
۲- این هیات باید بتواند از

وزیر امور خارجه شوروی در تهران

روز دوشنبه نهم مردادماه ادوارد شوارندازه وزیر امور خارجه شوروی در اس یک هیئت بلند پایه سیاسی وارد تهران شد. در طول اقامت شوارندازه در تهران که کمتر از ۲۴ ساعت بطول انجامید وی ضمن ملاقات با ولایتی با میر حسین موسوی و رفسنجانی نیز دیدارهای جداگانه ای داشت.

در دیدار وزیر امور خارجه شوروی و هیات همراه با مقامات جمهوری اسلامی پیرامون مناسبات اقتصادی دو کشور، مسئله افغانستان، مسایل جاری در خاورمیانه و اوضاع لبنان و بحران گروگانگیری در این کشور مذاکره و گفتگو شد.

در این مذاکرات اجرای کامل قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان مورد تاکید طرفین قرار گرفت. طرفین اجرای آن را به عنوان عاملی که می تواند مذاکرات صلح میان ایران و عراق را از بن بست خارج سازد تلقی کردند.

در مورد افغانستان طرفین مخالفت خود را با دخالت هر نیرو و یا کشور خارجی در مسائل افغانستان اعلام نمودند.

لازم به تذکر است که هفته گذشته نیز یک هیات ۶ نفره اقتصادی-صنعتی به ریاست بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین جهت دیدار و گفتگو با مقامات اقتصادی-صنعتی شوروی به مسکو سفر کرده بود. در این سفر هیات مزبور با نخست وزیر شوروی و معاون نخست وزیر این کشور در امور صنعتی، وزیر صنایع سنگین و وزیر روابط اقتصادی خارجی شوروی دیدار و گفتگو داشته است.

موضوع اصلی مورد مذاکره در سفر هیئت اقتصادی-صنعتی ایران به شوروی پیرامون توافقنامه ای بوده است که به هنگام سفر رفسنجانی از شوروی میان دو کشور منعقد گردیده بود. قرار است در ادامه سفر این هیات به شوروی، آقای ولچیکوف وزیر صنایع سنگین شوروی نیز در طی روزهای آتی به ایران سفر نماید.

کاهش بهای نفت اوپک

لازم به تذکر است که طبق توافق ماه گذشته کشورهای عضو اوپک، سقف تولید نفت این سازمان ۱۹/۵ میلیون بشکه در روز تعیین شده بود. بر پایه گزارش های اعلام شده، قیمت هر بشکه نفت خام برنت دریای شمال برای تحویل در ماه سپتامبر در بازار آزاد اروپا ۱۶ دلار و ۵۵ سنت اعلام شده که نسبت به نرخ اعلام شده این بازار در هفته قبل از آن ۱۱ سنت کاهش داشته است.

قیمت هر بشکه نفت خام سبک دویی که نفت خام پایه خاورمیانه میباشد نیز برای تحویل در ماه سپتامبر در پایان معاملات روز جمعه بازار آزاد اروپا ۱۴ دلار و ۵۸ سنت اعلام شده که نسبت به نرخ مشابه جلسه قبلی این بازار ۱۲ سنت کاهش یافته است.

بر پایه همین گزارش، قیمت هر بشکه نفت خام وست تگزاس اینتر میدیت، نفت خام پایه آمریکا، برای تحویل در ماه سپتامبر به ۱۷ دلار و ۹۳ سنت رسیده که نسبت به نرخ مشابه این بورس ۱۹ سنت کاهش نشان می دهد.

در همین حال بعضی از مسئولین امور نفتی در کشورهای عضو اوپک اعلام کردند که ممکن است بخاطر افزایش سقف تولید نفت این سازمان و همچنین کاهش تقاضای نفت در بازار جهانی، کشورهای عضو یک جلسه اضطراری تشکیل دهند.

در طی هفته گذشته اعلام شد که در بازار جهانی نفت، بار دیگر قیمت انواع نفت یک دلار کاهش یافته است.

کارشناسان امور نفتی علت این کاهش را افزایش میزان تولید نفت کشورهای عضو "اوپک" و کاهش تقاضای خرید نفت در بازارهای جهانی اعلام کرده اند.

بر پایه کاهش جدید قیمتها، میانگین قیمت نفت در بازار جهانی در هر بشکه به زیر ۱۶ دلار رسیده است. گفته می شود سه کشور کویت، امارات عربی متحده و نیجریه در افزایش سقف تولید نفت کشورهای عضو "اوپک" نقش اساسی دارند و بیش از میزان سهمیه تعیین شده خود که در کنفرانس کشورهای عضو "اوپک" در ماه گذشته تعیین شده بود نفت تولید و عرضه کرده اند.

کارتاساس متیاز وزیر نفت اندونزی در همین ارتباط اعلام کرد که هلائم تکرار واقعه مازاد عرضه نفت خام در بازار جهانی نفت در پاییز سال گذشته که به کاهش قیمت های نفت و رسیدن آن به حدود ۱۰ دلار در هر بشکه انجامید، دیده می شود.

طبق اعلام کارشناسان نفتی میزان تولید نفت کشورهای عضو اوپک در ماه ژوئیه به ۲۱ میلیون و پانصد هزار بشکه در روز رسیده است و این در حالی است که در فصل تابستان همواره مصرف نفت کاهش می یابد.

شکست مجدد مذاکرات پیرامون مجتمع پتروشیمی ایران-ژاپن

"رهبری" معاون شرکت ملی پتروشیمی ایران روز پنجم مردادماه جهت مذاکره مجدد با مقامات ژاپنی پیرامون طرح مشترک مجتمع پتروشیمی ایران واقع در بندر خمینی به توکیو سفر کرد.

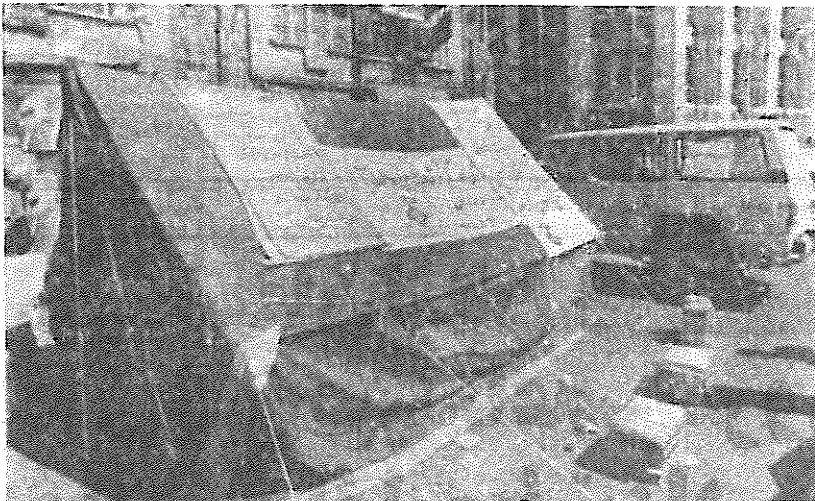
اجرای طرح مجتمع پتروشیمی ایران که پروژه آن از سال ۱۹۷۱ با مشارکت چند شرکت ژاپنی از جمله شرکت میتسویی شروع شده بود، بعد از صرف هزینه ای در حدود چهار میلیارد و ششصد میلیون دلار در جریان حملات هوایی عراق به ایران قطع گردید.

بعد از قطع جنگ ایران و عراق، جمهوری اسلامی خواستار تکمیل این پروژه گردید ولی ژاپنیها آنرا به دلایلی مقرون به صرفه نمی دانند و حاضر به سرمایه گذاری در این پروژه و اجرای این طرح نیستند.

سفر اخیر "رهبری" بدنبال سفرهای قبلی هیات های ایرانی و ژاپنی به دو کشور و به بن بست رسیدن مذاکرات میان مقامات دو کشور پیرامون این پروژه صورت گرفته است.

در جریان این سفر که یک هفته بطول انجامید مجدداً "رهبری" با "هیروشی واتادا" رئیس شرکت گسترش شیمیائی ژاپن در ایران ملاقات و گفتگو کرد.

گفته میشود در پایان این دیدار طرفین بار دیگر نتوانستند به توافقی در زمینه ادامه اجرای این پروژه دست یابند و مذاکرات بدون نتیجه



یکی از چادرهای نصب شده از طرف طرح والهادیات از مردم خواسته شده است اطلاعات خود را در مورد معتادین به این چادرها ارائه دهند نزدیک به ۷۰ چادر از این نوع در سطح تهران نصب شده است.

اعترافی به وضعیت فلاکت‌بار اقتصادی

بقیه از صفحه اول

توانایی‌اش برای برآوردن خواسته‌های آنان سرپوش بگذارد. از آغاز حکومت آخوندها، جنگ مهمترین بمانه رژیم برای هدم پاسخگویی به خواسته‌های مردم بوده است. اما امروز که یکسال از آتش‌بس در جبهه‌های جنگ می‌گذرد شواهد همگی حاکی از آنند که بازگشایشی در کار مردم نخواهد شد.

مصاحبه محمد جواد ایروانی وزیر امور اقتصادی و دارایی جمهوری اسلامی با ماهنامه "تازه‌های اقتصاد" یکی از آن شواهد است. نامبرده در مصاحبه مذکور نظرات خود را پیرامون مشکلات و نابسامانیهای اقتصادی جامعه، هلاک و راهزنی‌های رفع آن‌ها ابراز داشته است. تورم، فعالیت بخش خصوصی، استقرار خارجی و نظام چند نرخ ارز در کشور مهمترین موضوعاتی هستند که او به آنها پرداخته است.

مصاحبه مقدماتاً نظرات وزیر درباره تورم را شامل می‌شود. او عامل همده بروز پدیده تورم در کشور را فشار شدید تقاضا بر عرضه و راه حل اساسی جهت کاهش نرخ تورم را (که او آن را ۲۸ درصد اعلام می‌کند) تقویت بنیه اقتصادی و گسترش مبانی تولیدی جامعه می‌داند.

طبیعی است دولتمردان جمهوری اسلامی، از جمله محمد جواد ایروانی، هنگام بررسی مساله تورم با گفتن کلیاتی از این دست تلاش کنند بر نقش جمهوری اسلامی و سیاستهای آن - نه فقط سیاستهای اقتصادی آن - در ایجاد و تشدید تورم سرپوش گذارند و این حقیقت را مسکوت گذارند که "فشار شدید تقاضا" در اساس ناشی از کشاندن "بنیه تولیدی جامعه" به راه تامین نیازهای جنگی در طول ۸ سال جنگ خانمانسوز، نابود کردن تولید و اقتصاد بارآور، بی‌برنامگی، گسترش بخش‌های غیرتولیدی، چاپ بی‌پشتوانه اسکناس توسط دولت، و فیره و فیره است. در مصاحبه وزیر امور اقتصادی رژیم آخوندی بلافاصله پس از اظهار کلیات مذکور، بر امکان تحقق اهداف فوق "در بلندمدت و بدنبال

سیاستهای از قبل پیش‌بینی شده" تاکید میشود و سرانجام اجرای دقیق و موثر طرح تعزیرات حکومتی به عنوان راه حلی که "اثرات شایان توجهی در جهت جلوگیری از افزایش قیمتها و به عبارتی مهار تورم" دارد تحویل مردم میشود. ما در چند شماره پیش‌نشریه اکثریت بیحاصلی طرح مذکور را نشان داده و اجرای "دقیق و موثر" آن را که چیزی جز ورود همه‌جانبه دولت به بازار آزاد نبود توضیح دادیم و گفتیم که هدف ماکزیمم طرح، که همان هم

سنگین جنگ بدون کمک خارجی - یعنی با فشردن گلوئی مردم و فروش نفت در بازارهای قاچاق - می‌گوید: "به نظر اینجانب... بایستی با مساله توسعه کشور و با استقرار منابع خارجی برخوردی واقع‌بینانه ابراز شود." یعنی جمهوری اسلامی به گرفتن وام خارجی متوسل شود. منظور از واقع‌بینی را محمدجواد ایروانی در دنباله مطلب روشن می‌کند: "اگر ما سکوهایی نفتی میادین مشترک خود در خلیج فارس را از محل فروش آتی نفت تولیدی آن



تمام دار و ندار خود را بار زده و راهی شهر شده‌اند. ماوای بعدی آنان حلبی‌آبادهای حاشیه شهر است.

نمی‌تواند حاصل شود، تثبیت قیمتها در سطح ۸۰ درصد قیمت‌های کمرشکن فعلی است. راه‌حل‌های بلندمدت و بیانیی وزیر امور اقتصادی و دارایی برای سایر مشکلات اقتصادی جامعه عینا همان کلیاتی هستند که نمونه‌ای از آنها ذکر شد و سمت و سوی سیاستهای کوتاه‌مدت مورد نظری نیز مشابه "اجرای دقیق طرح تعزیرات حکومتی برای مهار تورم" او در پاسخ به این سوال که آیا ایران تصمیمی برای دریافت وام خارجی دارد یاخیر، پس از تعارفات مطول درباره سیاستهای بارز جمهوری اسلامی و درباره تامین هزینه‌های

بازسازی نهائیم... هیچ مانعی ندارد... بازیافت ارزی آن اصلا قابل مقایسه با هیچ طرح تولیدی نیست." ساده‌شده این حرف چنین است: قرض بگیریم، سکوی نفتی راه بیاندازیم، نفت بفروشیم، قرضمان را بپردازیم. و توجه داشته‌باشید بازیافت ارزی این چنین راه‌حلی اصلا قابل مقایسه با هیچ طرح تولیدی نیست. باین ترتیب برخورد واقع‌بینانه با مساله توسعه کشور در سیاستی که باز هم بر ادامه فروش نفت متکی است و صراحتا نافی هر گونه اقدامی برای "تقویت بنیه تولیدی" کشور و بنابراین نافی توسعه آن است خلاصه می‌شود.

علاوه بر بسیاری سوالات ممکن است این سوال نیز برای خواننده پیش‌آید که کوتاه مدت یعنی چه، بلندمدت یعنی چه؟ آیا ممکن است منظور از کوتاه مدت مثلا یک دوره ۶ ماه یا حداکثر یکساله باشد؟ پاسخ این سوال در آنچه که ایروانی در باره نظام چندنرخ ارز در کشور گفته است نهفته است. در این قسمت از مصاحبه، ایروانی که فراموش کرده است قبلاً اعمال سیاستهای لازم از سوی دولت (سه‌میه‌بندی کالاها، تثبیت بهای کالاهای اساسی و نرخ ارز) را عامل جلوگیری از این افزایش

نامیده است، می‌گوید که نظام دوتنرخ ارز توسط بانک مرکزی آغاز گردید و اعتبار می‌کند: "بنابراین پس از مدت زمان کوتاهی تفاوت قیمت نرخ رسمی، نرخ صادراتی و نرخ آزاد به صورت تورم در جامعه ظاهر گردید و این موردیکی از مشکلات همده اجرایی نظام چندنرخ ارز در اقتصاد کشور می‌باشد." و وزیر امور اقتصادی و دارایی برای رفع این مشکل چه در چنته دارد؟ دقت کنید: "با استفاده از ابزارهای پولی، مالی و اقتصادی صحیح مقدمات اجرایی همسان شدن نرخ ارز در بازار آزاد و رسمی شروع شده است که امیدواریم طی برنامه پنجساله کلان اقتصادی به آن دست یابیم." می‌بینیم که آنچه در چنته وزیر است ابزارهای پولی، مالی و اقتصادی صحیح است. باز همان سخنان و احکام کلی. اما پاسخ سؤال خواننده که نوقا مطرح شد حاصل است: تداوم وضع فعلی تا پنج سال آینده. به زعم ایروانی کوتاه‌مدت یعنی حداقل پنج سال.

سایر اظهارات ایروانی، تا آنجا که به بهبود اوضاع اقتصادی کشور و مردم مربوط می‌شود، فقط شعار و تعارف است: جلوگیری از خروج سرمایه، جلوگیری از انتقال تورم بین‌المللی به کشور، سرعت بخشیدن به رشد و توسعه اقتصادی در قالب برنامه‌ریزی، کنترل و تعدیل تراز پرداخت‌ها، ... همه اینها باید انجام شوند، اما چگونه؟ معلوم نیست.

دزدان حکومتی همکاران زندانی خود را فراموش نمی کنند.

جمهوری اسلامی حکومت دزدی‌های کلان و نجومی است. در شماره گذشته نشریه گزارش یک دزدی ۱۳۰۰ میلیون تومانی درج شد. در این شماره به نقل از روزنامه کیهان دولتی ماجرای یک دزدی ۲۰۰ میلیون تومانی را بازتاب می‌دهیم.

مسئولین شرکتی به نام پیشگامان خلیج با همکاری مقامات حکومتی در سال ۶۵ با درج یک آگهی در روزنامه‌های دولتی اعلام میدارند که به دوستان راننده به صورت شریک جهت استفاده در خدمت‌انزیت احتیاج دارند. شرکت مزبور از متقاضیان مبلغ ده میلیون ریال به عنوان پیش‌تسقط دریافت کرده و به آنان وعده میدهد که بزودی تریلرها را از خارج وارد کنند و به متقاضیان تحویل دهد. بعد از مدتی که از این موضوع می‌گذرد مجدداً مسئولین

شرکت از متقاضیان طالب ده میلیون ریال دیگر به عنوان پیش‌تسقط دوم میشوند چندی بعد از پرداخت پیش‌تسقط دوم عده‌ای از رانندگان متوجه کلاهبرداری مقامات شرکت شده و اینکه از تحویل تریلرها خبری نیست. از این رو اقدام به طرح شکایت علیه مقامات شرکت می‌نمایند.

بعد از آشکار شدن این کلاهبرداری و بر ملا شدن پرونده آن، جریان رسیدگی به این پرونده و دادخواست رانندگان بخاطر دخالت مقامات حکومتی حدود ۲ سال به طول می‌انجامد. سرانجام بعد از کشاکش‌های بسیار و اعمال نفوذ این مقامات، در هفته گذشته از سوی آخوندی بنام حسین جعفری رئیس شعبه ۱۴۲ دادگاه کیفری حکمی علیه مدیر عامل و رئیس هیات مدیره صادر می‌شود. پیشگامان خلیج صادر می‌شود.

مدیر عامل شرکت طبق حکم صادره بخاطر ۱۶۶ فقره کلاهبرداری که قبل از دریافت مجوز تاسیس شرکت؟! قرارداد تنظیم کرده است؟! به تحمل ۱۸ ماه زندان و ۷۴ ضربه شلاق با رعایت مدت پانزده ماه زندان قبل از حکم و همچنین پرداخت ۲۸ میلیون تومان فرامت به مدهیان حقوقی و رانندگان محکوم میشود.

این امر که ۱۶۶ فقره دزدی نامبرده بدین خاطر قبل از دریافت مجوز تاسیس شرکت اعلام شده است که دامنه این دزدی پای مقامات و مسئولین را نگیرد، بماند اما بر ۲۸ میلیون تومان جریمه کردن فردی که به دزدی ۲۰۰ میلیون تومان محکوم شده است بجز لطف همکاران و همقطاران چه می‌توان نام نهاد؟

معلومات هادر ایران

در گزارشی که در نشریه دولتی اطلاعات ۲۹ تیرماه چاپ شده است، حکومت از قول کارشناسان خود زبان به اعتراف گشوده است. در بخشی از این گزارش که به هوامل معلولیت‌زا در ایران اختصاص دارد کارشناسان بهزیستی و مسایل بهداشت جامعه در حکومت اسلامی عمده‌ترین هوامل معلولیت‌زا را در ایران به شرح زیر خلاصه و دسته‌بندی می‌کنند:

۱- سوءتغذیه - ناکافی بودن تغذیه مادر در دوران بارداری و کمبود مواد پروتئینی در سنین رشد کودک، از جمله هواملی است که رقم بالایی از معلولیت‌ها در ایران را به وجود آورده است.

۲- هوامل ژنتیکی (ارثی) ...

۳- بیماری‌های عفونی و ع

بیماری معلولیت‌زا (وقابل پیشگیری) در کودکان ...

۴- تصادفها و حوادث رانندگی. مطابق بررسی‌های انجام شده در سال ۱۳۶۳، در سال ۱۵ هزار نفر در اثر تصادف در داخل شهر تهران، مصدوم و مجروح شده‌اند. میزان مصدومیت و معلولیت ناشی از تصادف طی یکسال، در کل کشور، ۷۰ هزار نفر برآورد شده است.

۵- حوادث ناشی از کار، از دیگر هوامل معلولیت‌زا، مخصوصاً در مناطق صنعتی کشور است. بررسی سازمان تامین اجتماعی در سال ۶۲، حکایت از آن دارد که سالانه ۱۷ هزار نفر در اثر حوادث ناشی از کار، مصدوم و معلول می‌شوند ...

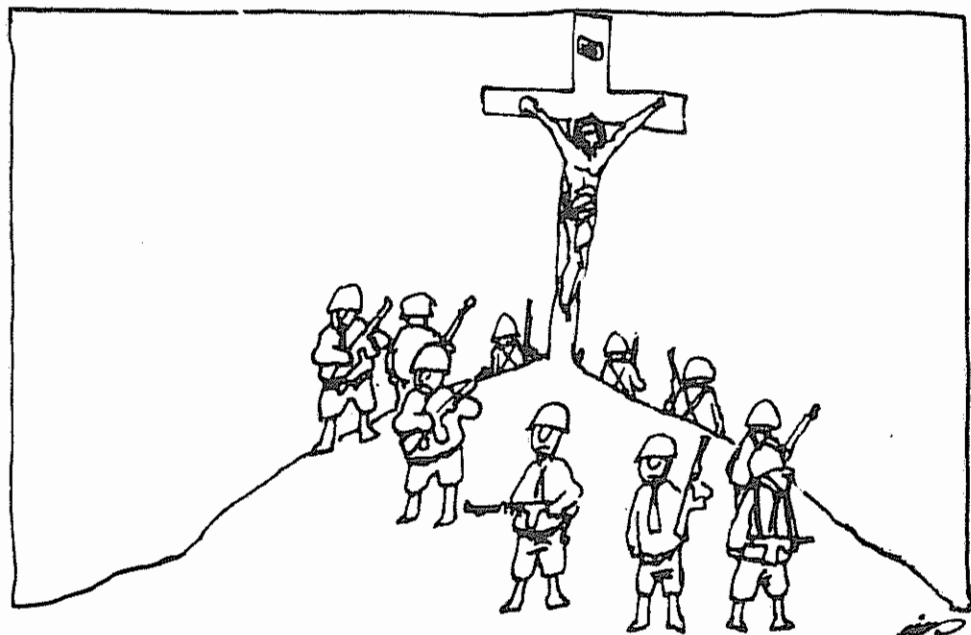
در همین گزارش بر پایه یک آمارگیری که توسط سازمان بهزیستی کشور صورت گرفته است، گفته می‌شود در دی و بهمن ماه سال ۱۳۶۴، در یکی از کارخانه‌های صنعتی، ۵۶۰ نفر از کارگران کارخانه مورد آزمایش و ارزیابی شنوایی قرار داده شده‌اند و نتیجه گرفته شده است که از این تعداد ۳۵۱ نفر به علت مجاورت با سرو صدای ناشی از کار، به اختلال در سیستم شنوایی مبتلا شده‌اند ... در گزارش درج شده از جمله آمده است بیماری‌های عفونی و ع بیماری کزاز، سیاه سرفه، سل، سرخک، دیفتری و فلج اطفال رقم بالایی از معلولیت‌ها را موجب می‌شود.

درباره پارلمان اروپا

به نفع نیروهای دمکراتیک و چپ تغییر کرد. در دوره جاری پارلمان اروپا، مجموعاً احزاب سوسیالیست و سوسیال دموکرات ۲۰۱ کرسی، محافظه‌کارها ۱۵۶ کرسی، لیبرالها ۴۴ کرسی، کمونیستها ۴۱ کرسی، سبزها ۳۹ کرسی، نیروهای دست‌راستی افراطی و نئونازیها ۲۲ کرسی و سایرین ۱۵ کرسی را به خود اختصاص داده‌اند.

بردن مقررات گمرکی و محدودیتهای سرمایه‌گذاری و برچیدن مرزهای فی‌مابین، پارلمان اروپا سال به سال از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. این پارلمان نمایانگر تناسب قوای نیروهای سیاسی در سطح اروپاست. در انتخابات اخیر برخلاف دوره قبل که محافظه‌کاران و احزاب راستگرا نقش فرادست را داشتند، تناسب قوا

پارلمان اروپا پس از گذشت یک ماه از انتخاب نمایندگان خود در نیمه دوم ماه ژوئیه رسماً کار خود را آغاز کرد. مصوبات پارلمان اروپا ضمانت اجرایی ندارد و تصمیمات آن توصیه‌هایی به کشورهایی که در آن نماینده دارند محسوب می‌شود. اما به دلیل درهم آمیزی بیش از پیش اقتصاد کشورهای پیشرفته صنعتی و گرایش این کشورها بسوی از بین



اعلام موجودیت فراکسیون در مجلس اتحاد شوروی

بقیه از صفحه آخر

اریستوکراسی طبقه ویژه‌ای را تشکیل می‌دهد و سخنگوی اهالی نیست. یوری آفاناسیف گفت گارباچف نمی‌تواند در همین حال مدافعان و مخالفان اصلاحات را رهبری کند.

یلتسین که در رأس این فراکسیون که خود را "گروه نمایندگان فرامنطقه‌ای" می‌نامد قرار دارد، کمیته‌های اختصاب کارگران معدن را "ارگان‌های نطفه‌ای قدرت واقعی خلق" نامید، به گفته او اختصابات اخیر نشان داد که منازعات اجتماعی در حال گسترش هستند و کارگران اعتقاد خود را به پیشاهنگ ادعایی خود از دست داده‌اند،

"اریستوکراسی حزبی خود به یک طبقه مستقل تبدیل شده است. جنبش کارگری بر ضد این طبقه سمبگیری کرده است، هر چند که خود نیز هنوز بر این امر واقف نباشد." آفاناسیف، رهبر موسسه تاریخ مسکو، نیز مقامات رهبری را مورد حمله قرار داد. او گفت "گارباچف به درستی بنیانگذار اصلاحات قلمداد می‌شود اما آن دورانی که او با موفقیت نماینده دگرگون‌سازی و در همین حال نماینده قشر ممتاز حزبی باشد سبزی شده است." آفاناسیف که در برابر ۲۴۰ نفر از نمایندگان کنگره خلق صحبت می‌کرد افزود "گارباچف باید تصمیم قطعی خود را بگیرد." "برای گارباچف نیز مشکل است بپذیرد که دیگران تنها رهبر پرسترویکا نیست بلکه بخش‌های مختلف جامعه مارهریان نوین اصلاحات را از میان خود پدید می‌آورد." "زمان آن رسیده است که نه فقط گارباچف بلکه هیات سیاسی حزب کمونیست و دولت نیز واقعیت‌هایی را که در میان اهالی بیان می‌شود، برسمیت بشناسد." وی افزود "در هر حال موقعیت کنونی گارباچف یعنی این درهم‌آمیزی مصیبت بار مانع اصلاحات است."

هلاوه بر یلتسین و آفاناسیف، ویتالی کوروتیچ، سردبیر نشریه اوگونجوک و گاوریل پوپوف اقتصاددان و آندره ساخاروف نیز از شخصیت‌های معروف "گروه نمایندگان فرامنطقه‌ای" به‌شمار می‌روند. پوپوف در نشست بنیانگذاری این

گروه گفت "اصلاحات باید بوسیله تغییرات محتاطانه قوانین متحقق شوند. قدم‌های خودانگیخته دولت فقط وضعیت را از بحرانی به بحران دیگر رهنمون شده است." خبرگزاری تاس این گروه را که شامل ۳۸۸ نفر از نمایندگان مجلس است، "پپ رادیکال" نام نهاد.

این گروه صاحب روزنامه مستقلی بنام "نماینده خلق" است که با تیراژ ۳۰۰۰۰۰ نسخه انتشار یافته است.

اعضای این گروه بنا به گفته سخنگویان آن قبل از هر چیز برای یک سیاست اصلاحی شتابان فعالیت می‌کنند.

این گروه بنا به گزارش خبرگزاری تاس هنوز فاقد برنامه است. اما مخاد برنامه‌های آنها در اساس خود مورد بحث قرار گرفته و قرار است با برخی تغییرات در نشست بعدی فراکسیون مزبور تصویب شود. بنا به تشریح خبرگزاری تاس قرار است در برنامه این گروه پارلمانی عنوان شود که همه موسسات اتحاد شوروی با سیستم اجاره‌ای اداره شوند. تاس افزود که گروه اپوزیسیون مزبور هدف نزدیک خود را نشست فوق‌العاده کنگره نمایندگان خلق قرار داده است. این کنگره قرار است تغییر قانون انتخابات شوروی را تصویب کند.

ناظرین تشکیل "گروه نمایندگان فرامنطقه‌ای" را به مبارزه طلبیدن آشکار گارباچف جهت تسریع اصلاحات داخلی تلقی کرده‌اند. ۹۰ تن از نمایندگان عضو این فراکسیون عضو شورای عالی اتحاد شوروی نیز هستند.

آفاناسیف که عضو رهبری این فراکسیون است تاکید کرد که گروه پارلمانی جدید از نمایندگانی با عقاید و اهداف مختلف متشکل شده است. بنابر این فراکسیون مزبور تنها با اتکاب به یک برنامه واحد از وحدت برخوردار خواهد بود. یکی از نمایندگان ارمنی عنوان "اپوزیسیون" را برای این گروه برچسب تلقی کرد. او گفت ما حقیقتاً به شورای عالی اتحاد شوروی کمک می‌کنیم. فراکسیون اصلاح طلب خواهان پدیدآوردن پویایی بیشتر در اقدامات شورای عالی اتحاد شوروی است.

در روز سه‌شنبه هفته پیش چندین هزار نفر از مردم بنا به دعوت فراکسیون مزبور در استادیوم لوشنیکو مسکو گرد آمدند. یوری استانکیویتس، نماینده مجلس، تشکیل گروه فرا منطقه‌ای را به عنوان اولین گروه پارلمانی در تاریخ اتحاد شوروی واقعه قابل توجهی ارزیابی کرد. به گفته وی این فراکسیون دائماً اندیشه‌هایی خواهد آفرید که پرسترویکا را رادیکالیزه کند اما خود را یک جنبش اپوزیسیون برهم زنده ثبات جامعه قلمداد نمی‌کند.

در ارتباط با ایجاد این فراکسیون پارلمانی نظریات مختلفی در مطبوعات اتحاد شوروی اظهار شد: روزنامه پراودا در این خصوص نوشت: "پیدایش گروه جدید ضروریست زیرا یک پارلمان موثر

بدون یک اپوزیسیون سازنده ممکن نیست." در همل نیز باید این گروه را بر اساس سازندگی آن مورد قضاوت قرار داد. تا کنون، همان طور که خود یلتسین عنوان کرد، گروه او در پیشبرد مسائل کوتاهی‌هایی کرده است. او در یک مصاحبه با روزنامه سندیکایی ترود با انتقاد از خود گفت که اقدامات تاکنونی آن‌ها بیشتر مزاحم بوده است تا سازنده. "ما در کنگره (کنگره نمایندگان خلق) بدون آن که مسئله‌ای را تا به آخر توضیح داده باشیم، کنگره را همیشه با طرح سوالات جدید به مسیرهای دیگری می‌کشاندیم." روزنامه پراودا در اجلاس بنیانگذاری "نمایندگان فرا منطقه‌ای" "یک رادیکالیسم عظیم" مشاهده کرده است.

راکوسکی به رهبری

حزب متحد کارگری لهستان انتخاب شد

بقیه از صفحه آخر

کمونیسم معتقد است. او گفت که از تقسیم حزب به دو جناح ارتدوکس (اصول‌گرا) و اصلاح طلب ممانعت خواهد کرد.

کمیته مرکزی حزب در روز شنبه، نشست خود را با اتخاذ این تصمیم به پایان برد که در راه همکاری با جنبش سندیکایی اتحادیه مهبستگی بگوشد. سلاومیر تابکووسکی مسئول شعبه اطلاعات حزب از اعضای که با روند اصلاحات مخالفند خواست که از حزب خارج شوند. او گفت برای کسانی که نسبت به اصلاحات مایوسند باید امکاناتی ایجاد شود اما کسی که قادر به تطابق خود با سمبگیری نوین نیست باید حزب را ترک کند.

ساعاتی پس از انتخاب راکووسکی به سمت دبیر اول حزب، دولت او به عنوان آخرین اقدام خود قبل از انحلال، تصمیم به آزاد کردن قیمت مواد غذایی گرفت. با کار بست قانون بازار آزاد در خرید و فروش مواد غذایی قیمت‌ها از روز سه‌شنبه افزایش چشمگیری یافت. ارائه کوپن‌های

گوشه که از سال ۱۹۸۱ به این سو متداول شده بود از دور خارج شد به این ترتیب قیمت‌ها به سه برابر افزایش یافت بنابه اطلاع رادیو ورشو متناسب با این افزایش قیمت‌ها دستمزد اهالی نیز افزایش خواهد یافت.

ژنرال چسلاو کیسچاک وزیر کشور سابق در روز چهارشنبه به عنوان نخست‌وزیر جدید لهستان برگزیده شد. انتخاب او در روز سه‌شنبه هنوز معلوم نبود زیرا بخشی از نمایندگان ائتلاف دولتی قصد داشت علیه او رای دهد. کیسچاک قبل از انتخاب خود در برابر نمایندگان مجلس گفت که مرکز ثقل سیاست او قلبه بر بحران اقتصادی همق یابنده خواهد بود. کیسچاک در انتخابات روز چهارشنبه اکثریت قدرتمندی کسب کرد. ۲۳۷ نماینده موافق، و ۱۷۳ نفر علیه او رای دادند، رای ۴۰ نفر در رای گیری حضور نداشتند. مجموع نمایندگان مجلس ۴۶۰ نفر است. اپوزیسیون فراکسیون ممانع‌گرا که قبلاً نیز اعلام کرده بود متحدان علیه کیسچاک رای داد.

دمکراسی درون حزبی در زمان لنین

مصاحبه‌ای با پروفیسور لوگینف دکتر علوم تاریخ. از نشریه هفتگی

"شواهد و فاکت ها" ۱۷-۱۱ مارس ۱۹۸۹

سوال: امروز ما از بازگشت به موازین لنینی زندگی حزبی صحبت می‌کنیم، اما از آنجا که لنینیسم با تفسیر استالینی آن به ما رسیده است، تصویری از اینکه این موازین چگونه بودند، نداریم. سوال این است که سیمای حزب در زمان لنین چگونه بود و موازین لنینی زندگی حزبی چیست؟

*جواب: از زمان انتشار دوره مختصر تاریخ حزب کمونیست سراسر روسیه (بلشویک) سال‌های زیادی گذشته است. با این حال شماها و دگم‌هایی که در آن فرمولبندی شده بود، بسیار جان سخت از آب در آمدند. به ویژه زمانی که از سیمای حزب در دوره قبل از انقلاب اکثر صحبت می‌کنیم، یک سازمان همیقا مخفی و شدیداً متمرکزی را تجسم می‌کنیم که عالی‌ترین برجستگی اعضای آن عبارت است از سازش‌ناپذیری با هر "دگراندیش" و پیروی بی‌قید و شرط از "بالا". به طور کلی، چیزی با روح "دسته‌های شمشیر باز" و "آجنه" داستایفسکی یا داستان‌های جنایی معاصر درباره مافیا....

اما اگر حزب خود نمونه دمکراتیسم درونی نمی‌بود، هرگز نمی‌توانست در راس توده‌ها قرار گیرد و آنها را به مبارزه برای دمکراسی جلب کند.

اما در همین حال اگر حزب سانترالیزه نبود و انضباطی آهنین نمی‌داشت، نمی‌توانست قدرت را به دست گیرد. تا آنجا که معلوم است، لنین طرفدار سانترالیزه شده رهبری حزب بود و اصرار داشت که "عدم تمرکز برای کار انقلابی در دوره استبداد زیان بخش است". آیا اینجا تضادی وجود ندارد. آیا حزب می‌تواند همزمان هم سانترالیزه و هم

دمکراتیک باشد؟

* - آری، شرایط فیر هلنی تشدید تمرکز را ایجاب می‌کرد. اما بلشویک‌ها به خطر این امر آگاه بودند. ضمناً این امر نه تنها به معنی سرکوب ابتکارها و فعالیت سازمان‌های محلی است، بلکه برای خود "بالایی‌ها" نیز خطرناک است. لنین نوشت: "مركزیت شدید، اگر تصادفاً در مرکز شخصی نالایق پیدا شود که از قدرت زیادی نیز برخوردار باشد بسیار آسان می‌تواند کار را نابود کند" یعنی مکانیسمی ضروری است که برای توده‌های حزبی چنان امکان تأثیری بر "بالایی‌ها" را حتی در شرایط سانترالیزه شدن - فراهم نماید که بتواند پایه تجدید انتخاب هادی و یا آنگونه که لنین نوشت "به پائین کشیدن مقامات کاملاً نالایق" بیانجامد؟

در سال ۱۹۵۴ وقتی کمیته مرکزی و هیات تحریریه "ایسکرا" به دست منشویک‌ها افتاده، وضع از اینگونه بود. بحث هموم حزبی نشان داد که اکثریت حزب با موضع کمیته مرکزی و ارگان مرکزی همراه نیستند. این امر به بلشویک‌ها این حق سیاسی و اخلاقی را داد که مبارزه علیه "بالایی‌ها"ی رسمی حزب را آغاز کنند و دفتر کمیته‌های اکثریت را ایجاد نمایند که کار کمیته مرکزی را انجام می‌داد، روزنامه جدید "وپریود" را منتشر نمایند و سپس کنگره جدید حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه را فراخوانند.

چنین مکانیسمی را پیش از همه هلنیت بوجود آورده بود. در حزب بحث دایمی درباره استراتژی و تاکتیک، اشکال و شیوه‌های مبارزه جریان داشت. هلنیت "ناشناخته بودن" سیاسی رهبری را نیز از بین برد. نه کمیته مرکزی

ناشناخته‌ای که در آسمان‌ها نشست، بلکه رهبرانی شناخته شده که اتوریته خود را نه به دلیل مسندی که اشغال کرده‌اند، بلکه کسانی که در نتیجه اتوریته شخصی‌شان به آن مقام دست یافته‌اند، حزب را رهبری می‌کردند. ولنین الزامی می‌شمرد که "در مقابل تمامی حزب، همه فعالیت هر نامزد این مقام عالی باید مثل کف دست آشکار باشد و حزب حتی با خصوصیات فردی آنها، با نقاط قوت و ضعف‌شان و با پیروزی‌ها و شکست‌های آنها آشنا شود؟" "انتخاب طبیعی" هلنیت کامل، انتخابی بودن و کنترل همگانی، قرار گرفتن هر فرد فعال را در نهایت در "جای خود" ... تأمین می‌کند.

در مورد آنچه مربوط به پگورالیسم نظرات در حزب است، تنها یک حادثه را تعریف می‌کنم. در کنفرانس آوریل سال ۱۹۱۷ حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه (بلشویک) یکی از نمایندگان به دلیل آن که کامنف به شدت علیه ترزهای لنین صحبت کرده بود، کاندیداتوری او را در انتخابات کمیته مرکزی رد کرد. این نماینده گفت: "دروی چنان شفافیت و آن شکیبایی که از یک رهبر حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه طلب می‌شود، وجود ندارد؟"

لنین به او جواب داد که بحث در جریان تهیه خط‌مشی حزب کاملاً طبیعی و مفید است. "این که ما با رفیق کامنف بحث می‌کنیم تنها نتایج مثبت به بار می‌آورد... زیرا بحثی که با او پیش می‌رود بسیار ارزشمند است. پس از آنکه با دشواری او راقانع می‌کنی، متوجه می‌شوی که بر آن مشکلاتی که در میان توده‌ها پیش می‌آید، غلبه می‌کنی".

پس از اکتبر چگونه بود؟ به یاد دارید که در سال ۱۹۱۸، بوخارین با قرار گرفتن در راس "کمونیست‌های چپ" چه مبارزه پر مخاطره‌ای را پیش برد. در کنگره هفتم لنین مواضع او را مورد انتقاد قرار داد. بوخارین شکست خورد و در اقلیت قرار گرفت. هلیرقم این مساله او به عضویت کمیته مرکزی حزب برگزیده شد. و قتیکه بوخارین با استناد به اختلاف نظر خود با اکثریت، از کار در کمیته مرکزی امتناع کرد، لنین پافشاری کرد... به دلایل او گوش فرا دهید: این خواست که تمام اعضای کمیته مرکزی یک سان فکر کنند و یک نظر داشته باشند - "چنین تصویری به معنی رفتن به سوی تفرقه است... رفقا می‌توانند ضمن حضور در کمیته مرکزی از نظرات خود دفاع کنند".

می‌خواهم سوالی مستقیم‌ادر رابطه با موضوع مورد بحث‌مان، دمکراسی درون حزبی مطرح کنم: انتخابات کنگره‌های حزبی تا چه اندازه به طور دمکراتیک برگزار می‌شود؟

* - به بینم نمایندگان کنگره دهم حزب کمونیست روسیه (بلشویک) چگونه انتخاب شدند. به یاد دارید که در آستانه این کنگره در حزب بحث‌هایی پیش رفت. چندین پلاتفرم عقیدتی شکل گرفت: "پلاتفرم دهگانه لنین"، "پلاتفرم‌های کارگری"، "تروتسکی، بوخارین و سایرین". انتخابات نمایندگان کنگره دهم مطابق این پلاتفرم‌ها صورت گرفت، یعنی نمایندگان هر گروه به سازمان‌های محلی اعزام شدند، و در آنجا از نظرات خود دفاع کردند. رای‌گیری بر اساس نمایندگان پلاتفرم‌های معین صورت گرفت.

امروز وقتی ما درباره دمکراسی درون حزبی صحبت می‌کنیم، اغلب مساله به ضرورت وجود حداقل دو تا سه کاندیدا در انتخابات محدود می‌شود. اما چه چیزی آن‌ها را از همدیگر متمایز خواهد نمود؟ آیا اینست که یکی گندم گون و دیگری بلوند است؟ ظاهراً، تفاوت پیش از همه باید در مواضع معین سیاسی باشد.

نمایندگان کنگره دهم درست بدین گونه انتخاب شدند. نتیجه را می‌دانیم: در کنگره پلاتفرم لنین اکثریت نمایندگان را متحد ساخت.

لنین در کنگره "پوزیسیون" (شلیاپنیکف،)

کوئوزف)، تروتسکی و بوخارین را مورد انتقاد شدید قرار داد. او نادرستی و خطر سیاسی دیدگاه‌های آن‌ها را نشان داد. اما انتخابات شروع می‌شود و تروتسکی، بوخارین، شلیاپنیکف و کوئوزف به عضویت کمیته مرکزی انتخاب می‌شوند. لنین ضمن حمایت از انتخاب رهبران «اپوزیسیون کارگری» به عضویت کمیته مرکزی، از جمله گفت: درست است که دیدگاه‌های نظری آن‌ها اشتباه است، اما آن‌ها به حق از ناکافی بودن و مبارزه بد کمیته مرکزی با بوروکراتیسم انتقاد کردند. یعنی آن‌ها را باید به عضویت کمیته مرکزی برگزید تا آن‌ها به خوبی با بوروکراتیسم مبارزه کنند.

اما در همان کنگره دهم حزب کمونیست روسیه (بلشویک) قطعنامه «درباره وحدت حزب» به تصویب رسید که فراکسیون و گروه‌بندی را در حزب ممنوع می‌کرد - یعنی، در واقع دگراندیشی در حزب را منع می‌کرد. آیا از این لحظه نبود که پیگرد دگراندیشان هم در حزب و هم در کشور که سال‌های طولانی تداوم یافت، آغاز گردید؟

* می‌بینید، کنگره دهم حزب را طوری به ما ارائه کرده‌اند که در ذهن ما تنها «قطعنامه درباره وحدت» باقی مانده، آن هم با تفسیر استالینی‌اش، یعنی وحدت مترادف ممنوعیت فراکسیون و مترادف ممنوعیت هر گونه «دگراندیشی»... اما بیایید سند دیگری از همان کنگره دهم یعنی قطعنامه درباره مسایل سازمانی را در نظر بگیریم. در این سند گفته می‌شود که در سال‌های جنگ و ضرورت وجود حداکثر مرکزیت گرایش به بوروکراتیزه شدن حیات حزبی هر چه بیشتر رشد کرد، سیستم آمریت و فرماندهی اغلب «اشکال تحریف شده فشار غیر ضرور» را گرفت و امتیازات زمینه‌ای برای انواع مختلف سواستفاده‌ها شد، که همه این‌ها در مجموع به «تضعیف زندگی معنوی حزب» و جدایی از توده‌ها منجر گردید.

به این ترتیب با آغاز نوسازی حیات تمامی کشور به کمک «نپ»، حزب نوسازی را از خود شروع کرد. راه عبارت بود از انکشاف وسیع تر دموکراسی درون حزبی. در همان قطعنامه کنگره دهم گفته می‌شود: مقصود از دموکراسی درون حزبی چنان شکل سازمانی

است که شرکت فعال تمامی اعضای حزب تا عقب مانده ترین آن‌ها را در حیات حزب و در بحث و تصمیم‌گیری پیرامون بدون استثنا و تمامی مسایل تأمین نماید. شیوه‌های کار قبل از همه عبارت بود از تمامی شیوه‌های بحث و مذاکره وسیع به همراه آزادی کامل انتقاد درون حزبی، کنترل دایمی از سوی انکار همومی حزب نسبت به کار ارگان‌های رهبری و تأثیر متقابل همی دایمی میان این ارگان‌ها و حزب به طور کلی.

- معذرا، قطعنامه «درباره وحدت حزب» پیشنهادی لنین با تزه‌های بوخارین متضاد بود. * - چرا؟ منع فراکسیون و گروه‌بندی - به معنی بحث و تهیه پلاتفرم خارج از دیدگاه‌های اکثریت کمیته مرکزی و پیشنهاد تصمیمات اکثریت نیست آنچه که منع شد، عبارت بود از ایجاد سازمان فراکسیونی درون سازمان حزب با ارگان انتشاراتی خود، نظم فراکسیونی‌اش و حق عضویت خود.

- اما با این حساب گروه بوخارین و «اپوزیسیون کارگری» که فراکسیون نبودند، پس چرا می‌بایست قطعنامه‌های علیه فراکسیون‌نیم به تصویب می‌رسید؟

* برخی از این گروه‌ها گرایش به فراکسیون سازی از خود نشان داده بودند. گذشته از آن فراموش نکنید که این موضوع در سال ۱۹۲۱ بود. ما بحران بسیار شدید سیاسی، اقتصادی و عقیدتی را از سر می‌گذرانیم. فراکسیون سازی حزب را به انشعاب تهدید می‌کند و انشعاب هم در آن شرایط بی‌نهایت خطرناک بود.

گذشته از این در آن زمان نیز لنین مخالف تفسیر وسیع فراکسیون‌نیم بود. در کنگره پیشنهادی مبنی بر لغو انتخابات بر اساس پلاتفرم با این استدلال که چون «وحدت» مطرح است، بنابراین بایستی یک پلاتفرم کمیته مرکزی وجود داشته باشد، طرح گردید. لنین قطعنامه این پیشنهاد را رد کرد. اما اگر وضعی مشابه تصمصم‌گیری در مورد صلح برست که اکثریت کمیته مرکزی برحق نبود، تکرار شود، تکلیف چیست؟ لنین می‌گوید: «آیا شما تضمین می‌کنید که چنین مسایلی نمی‌تواند باشد؟ نمی‌توان تضمین کرد... اگر آن شرایط اختلاف نظرهای اساسی را به وجود آورد، آیا می‌توان طرح و قرار دادن آن‌ها

را در معرض قضاوت تمامی حزب منع کرد؟ نمی‌توان!»
- اما در همین حال در سال‌های ۲۵ در حزب بحث درباره فردی یا جمعی بودن رهبری انجام می‌گرفت، لنین از اصل مدیریت فردی به جای جمعی دفاع کرد. یادآوری می‌کنم که لنین می‌گفت: «...سانترالیسم شوروی سوسیالیستی با رهبری فردی و دیکتاتوری اصلا تضادی ندارد، که اراده طبقه را گاهی یک دیکتاتور تحقق می‌بخشد که بعضی وقت‌ها به تنهایی بیشتر کار می‌کند و اغلب ضروری تر است.»

* - امروزه استخراج این یا آن نقل قول برای اثبات اینکه همانا مارکس و لنین در کمبود پودر رختشویی مقرر بوده‌اند، تقریباً به یک موضوع مورد علاقه همگانی تبدیل شده است. من این را برای دفاع از «تقدس» بنیانگذاران نمی‌گویم. آن چه را که در آثار آن‌ها دوران سپری شده یا درست از آب در نیامده، باید بدون قید و شرط کنار گذاشت. اما قبل از آن بد نیست یک بار دیگر آثار آن‌ها را خواند تا شیوه تجزیه و تحلیل و تمامی سیستم نظرات آن‌ها را درک کرد.

آری، در سال ۱۹۱۸ در شرایط آغاز جنگ داخلی لنین در «وظایف نوبتی دولت شوروی» نوشت: «دیکتاتوری افرادی در موارد بسیار زیادی در تاریخ جنبش‌های انقلابی مظهر، حامل و ناقل دیکتاتوری طبقات انقلابی بوده است که تجربه مسلم تاریخ بر آن گواهی می‌دهد.»

این چیست؟ فلسفه و توجیه «کیش شخصیت»؟
اما، اندیشه لنین را به دقت تا آخر به خوانید: «هر قدر که اکنون باید هزم ما برای دفاع از یک قدرت بی‌ایمان و استوار و از دیکتاتوری افرادی برای فرایندهای معین کار و در موارد معینی از فعالیت‌های صرفاً اجرایی راسخ‌تر باشد، به همان اندازه هم باید شکل‌ها و شیوه‌های کنترل از پایین متنوع‌تر باشد... می‌بینید: اعمال کنترل بر دیکتاتور از پایین. برای چه؟ لنین جواب می‌دهد: «تا هرگونه امکان انحراف حکومت شوروی خنثی شود...»

باید درک کرد که در این جا لنین «حقیقی کلی» را فرمول‌بندی نمی‌کند. او درباره دوره جنگ و خرابی و درباره رهبری فردی در شرایط مشخص صحبت می‌کند. نمونه‌ای می‌آورم.

آ. ای. ریکف از کسانی بود که مخالف رهبری فردی بود. لنین با او بحث می‌کرد و استدلال می‌کرد... فایده چندان نکرده. اما ریکف رابه رهبری سازمانی که تدارکات ارتش سرخ را اداره می‌کرد، برگزیدند. و این «دمکرات حقیقی» چنان دیکتاتوری را در امر تدارک به وجود آورد که هیچ‌کدام از اسلاف او به خواب هم ندیده بود. چرا که او به زودی فهمید که مساله رساندن به موقع مهمات جنگی و لباس به واحدهایی که می‌رزمنده، بحث دمکراتیک بردار نیست. - در این کار انضباطی آهین لازم بود، زیرا که جنگ جریان داشت.

اما زمانی که در شرایطی کاملاً متفاوت، استالین با استناد به لنین دیکتاتوری فردی غیر قابل کنترل خود را بر حزب و بر کشور اعمال کرد، او از لنین پیروی نکرد، بلکه اصولاً وراثت‌ریف کرد.

در بحث‌های امروزه درباره مسایل دموکراسی سوسیالیستی متاسفانه عنصر تجدید وجود دارد. نباید مساله را بدون روشن کردن ماهیت آن به دو شق یاد دموکراسی و یاد دیکتاتوری محدود کرد. در شرایط مشخص و معین می‌تواند دیکتاتوری موقت کاملاً دمکراتیک وجود داشته باشد و بالعکس اشکال کثیری از دموکراسی نیز می‌تواند موجب دوری مردم از قدرت شود و شرایط کاملاً مساعدی را برای نضج دیکتاتوری ضد مردمی فراهم آورد.

جمهوری و ایماز در آلمان یکی از قانونی‌ترین دولت‌های دنیا شمرده می‌شود. حقوق دانی آلمان با موشکافی و دقت مختص خود مجلدات کاملی از قانون نوشتند که همه چیز - هم تقسیم قدرت، هم وظایف آن‌ها، هم کنترل و... در آن‌ها پیش‌بینی شده بود. اما این‌ها مانع به قدرت رسیدن هیتلر آن هم به طریق دمکراتیک یعنی در نتیجه انتخابات همومی نشد. گذشته از این، با کسب قدرت، او به خوبی از قانون اساسی و ایماز در جهت اهداف خود استفاده کرد.

تصور این که دموکراسی مکانیسم جامعی است که قادر است یک بار و برای همیشه تمامی حقوق و آزادی‌ها را برای ماتضمنین کند و از ما در مقابل تعدید یک دیکتاتوری ضد مردمی دفاع نماید - توهمی بیش نیست. دموکراسی تنها شرایطی را برای مبارزه آسان تر می‌کند و فرجام آن با تناسب واقعی نیروها و انرژی خود توده‌ها تعیین می‌شود. یعنی، تنها تضمین خود ما هستیم.

کنفرانس کامبوج: خوش بینی و اطمینان به آینده

ملاقات خود با هون سن گفت که بین او و هون سن یک کشش و سمپاتی متقابل وجود دارد. او افزود می‌خواهد برای آن مبارزه کند که هنگام پایان کنفرانس در ۳۰ اوت یک توافق امضا شود، گرچه مورد هلاکه خمرهای سرخ نیز نباشد.

هون سن اظهار امیدواری کرد که انتخابات پس از خروج نیروهای ویتنامی در همین امسال صورت بگیرد. دولت ویتنام اعلام کرد که نیروهای مسلح خود را تا ۲۷ سپتامبر تماما از خاک کامبوج خارج خواهد کرد.

واحد‌های نظامی کامبوج در هفته گذشته اغلب مواضع خمرهای سرخ را در غرب کشور بازپس گرفتند. در همل نبردهای منطقه کوهستانی در غرب شهر پالین نزدیک مرز تایلند به پایان رسیده است. بنا به گزارش خبرگزاریها در سایر نقاط کامبوج و بیش از همه در کراتی، کومپونک توم و کومپونک شبوی که در ۵۰ کیلومتری پایتخت قرار دارد نیز نبردهایی صورت گرفته که در همگی، مواضع دولت تقویت شده است. حمله ارتش کامبوج به وسیله توپخانه ویتنام پشتیبانی می‌شد. هدف خمرهای سرخ این بود که قبل از کنفرانس کامبوج مواضع خود را تقویت کنند. این توطئه به وسیله نیروهای نظامی دولت کامبوج خنثی شد.

در یک مصاحبه مطبوعاتی هونان کرد که در کنفرانس، در ارتباط با جنبه بین‌المللی و بسیاری نقاط پایهای امور داخلی مساله کامبوج مواضع مشترکی بدست آمده است. ما دیگر از حل انسانی مسئله فاصله نداریم. تاچ به سازمان ملل انتقاد کرد که هنوز نیروهای مخالف دولت را به هونان نماینده کامبوج به رسمیت می‌شناسد. او گفت اگر سازمان ملل می‌خواهد نقشی در حل منازحه ایفا کند باید مصوبات نادرست خود را تصحیح نماید.

شاهزاده سیهانوک، رهبر اتحاد سه‌گانه، پس از دیداری با سون سن، نخست‌وزیر کامبوج بر نقش محوری چین در منازعات کامبوج تاکید کرد. او گفت پکن ارتش چریکی خمرهای سرخ را با مواد عیانتی تامین می‌کند. اشغال نظامی کامبوج توسط ویتنام و قیام مردم این کشور در سال ۱۹۷۸ به حکومت وحشت خمرهای سرخ که در عرض ۳ سال حدود ۲ میلیون نفر از مردم کامبوج را به قتل رسانده بود، پایان داد.

خمرهای سرخ جزا اتحاد سه‌گانه سیهانوک علیه حکومت کامبوج به شمار می‌روند و مشکل اصلی حل صلح‌آمیز مسئله کامبوج هستند. دولت کامبوج و ویتنام مشارکت این سازمان را در دولت گذار اکیدارد می‌کنند. سیهانوک، چین و آمریکا بر حضور این نیرو تاکید دارند. سیهانوک درباره

پس از اتمام نخستین دور کنفرانس برگزار شده در پاریس درباره کامبوج و در آستانه آغاز کار کمیسیونهای مربوطه، به جز خمرهای سرخ، همه طرفهای مذاکره درباره نتایج آن اظهار خوشبینی کردند. دولت کامبوج پایان نبردها در غرب کامبوج را اعلام کرد. هیئت نمایندگی سازمان ملل در روز شنبه ۵ اوت به کامبوج هزیمت نمود.

سون سن، رهبر جنبه آزادبخش ملی خلق خمر و نخست‌وزیر کامبوج در زمان سیهانوک، در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت که حل مسئله کامبوج در دسترس است. او نسبت به آینده اظهار امیدواری کرد و گفت از هر زمان دیگری خوشبین تر است. به نظر سون سن نیروهای صلح سازمان ملل باید حداقل ۵ سال در کامبوج حضور داشته باشد. به عقیده او این تضمینی در برابر تلاش خمرهای سرخ یا هر نیروی دیگری جهت انحصار قدرت خواهد بود. او در همین حال خواستار "توافق چهار جانبه" با حضور خمرهای سرخ شد و در این مورد گفت "اگر ما آن‌ها را در جنگل بگذاریم هرگز قادر به بازسازی کشور خود نخواهیم بود".

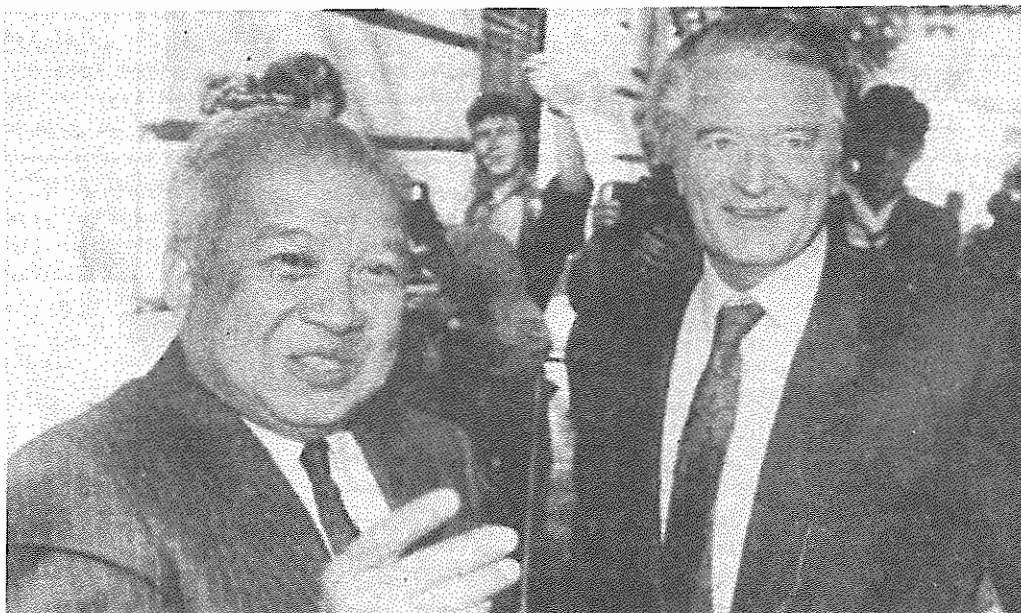
نگوین کو تاچ وزیر امور خارجه ویتنام نیز درباره آینده کامبوج اظهار خوشبینی کرد. او

قانون حافظه‌مکراسی

از جمله تصامیم کنفرانس ۱۹ حزب کمونیست اتحاد شوروی، تغییرات در قوانین کشور، مطابق با روح زمان و در راستای دموکراتیزه کردن فضای کشور است. در پی این تصمیم طرح قوانین مربوط به نشریات و رسانه‌های گروهی، میتینگ‌ها و اجتماعات در معرض بحث توده‌ای قرار می‌گیرند. آوریل سال جاری طرح قانونی درباره جرایم ضد دولتی برای بحث و ارائه به شورایی عالی اتحاد شوروی برای تصویب انتشار یافت.

طرح قانون مورد بحث جرایمی نظیر فعالیت و اقدام برای سرنگونی نظام سوسیالیستی در اتحاد شوروی و برافروختن آتش نفاق ملی و ایجاد درگیری‌های قومی را مورد نظر دارد. تغییر بسیار مهم در این طرح نسبت به قانون گذشته (که در دوره استالین تصویب شده بود)، حذف بند "تبلیغ و ترویج ضد شوروی" است. بر اساس همین بند، در دوره کیش شخصیت، هزاران انسان بی‌گناه تنها به دلیل داشتن عقایدی مخالف "انظرات رسمی"، محاکمه شدند. حقوق دانان شوروی در مورد قوانین جدید می‌گویند که قانون، عمل مشخص برای سرنگونی نظام را مدنظر دارد و به هیچ‌ترتیبی مسئله مبارزه اندیشه‌های گوناگون در شرایط پلورالیسم عقاید را در بر نمی‌گیرد. "پراودا"، ارگان مرکزی ح.ک.ا.ش. در همین مورد می‌نویسد: "این قوانین به هیچ‌روی عقب نشینی از پرنسپ‌های دموکراسیسم و انساندوستی نوسازی نیست. در این اسناد، مرزبندی دقیقی میان متدهای مبارزه ایدئولوژیک و پاسخگویی در برابر اعمال مشخصی که انهدام نظام سوسیالیستی در میهن ما را هدف خود قرار داده، کشیده شده است." صاحب نظران در اتحاد شوروی معتقدند که طرح قانونی اخیر مطابق استانداردهای حقوق بین‌الملل است.

جراید شوروی اظهار امیدواری می‌کنند که سلسله قوانین جدید به مثابه پایه‌های حقوقی پرسترویکا، دموکراسی و هلنیت را قانونا در کشور تضمین کند و در همین حال از این روندها در برابر آنارشیسیم، هرچ و مرج و ماجراجویی دفاع کند.



از سرگیری مذاکرات شوروی و آمریکا پیرامون مسئله افغانستان

آمریکا قصد خود را به ادامه ارسال سلاح برای ضدانقلابیون افغانی اعلام کرد و پیشنهاد اتحاد شوروی مبنی بر قطع صدور سلاح به هر دو طرف درگیر را رد نمود. از هنگام انتخاب دکتر نجیب الله به ریاست حزب و کشور، دولت افغانستان کوشش زیادی را مصروف یافتن یک راه حل سیاسی به منظور پایان دادن به جنگ داخلی کرده است. دولت آشتی ملی پیشنهادی دولت افغانستان مورد حمایت اکثریت مردم افغانستان و نیز مردم سایر کشورهای جهانست.

ضد انقلابیون مسلح که امید به موفقیت در جبهه‌های جنگ را از دست داده‌اند به‌باران شهر کابل را تشدید کرده‌اند. در حملات جدید موشکی به این شهر در روز دوشنبه بنا به گفته بیمارستان‌های تحت نظارت سازمان ملل حدود ۲۵ نفر مردم غیرنظامی جان خود را از دست داده‌اند. دو موشک بر بیمارستان ابن سینا و یک موشک در یک ایستگاه اتوبوس در مرکز شهر فرود آمدند. در ماه ژوئیه مجموعاً بیش از ۱۵۰ نفر بر اثر حملات موشکی جان خود را از دست داده‌اند.

در روز چهارشنبه گذشته نیروهای امنیتی دولت افغانستان موفق به کشف حدود ۱۵۰ موشک در اطراف کابل شدند. در این عملیات ۵۰ نفر از نیروهای ضدانقلابی دستگیر شدند.

روز دوشنبه هفته گذشته نمایندگان دولتهای آمریکا و شوروی پس از ۱۵ ماه، مذاکرات خود را درباره راه حل منازعات افغانستان آغاز کردند. دولت آمریکا که پس از خروج سربازان شوروی از خاک افغانستان به امید سرنگونی دولت افغانستان از ادامه گفتگوها سرباز میزد، اکنون پس از شکستهای فاحش شورشیان و تثبیت بیش از پیش دولت افغانستان دوباره حاضر به مذاکره پیرامون راه حل غیرنظامی مسئله افغانستان شده است.

سفیر شوروی در افغانستان یولی وروتسوف گفت شوروی در مذاکرات مزبور که در استکهلم انجام می‌گیرد پیشنهاد قطع صدور سلاح به هر دو طرف درگیر در جنگ داده است. بنا بر گزارش‌های رسیده، آمریکا صدور اسلحه به شورشیان را اخیراً افزایش داده است. این ملاقات بدون حصول نتیجه‌ای روز چهارشنبه ۲ اوت پایان یافت. "جان کلی" از مسئولین وزارت خارجه آمریکا در ارتباط با این نشست به خبرنگاران گفت بجز یک تبادل نظر آشکار و روشن هیچگونه نتیجه دیگری از ملاقاتها حاصل نشد. هنوز اختلافات پابرجایند. دولت آمریکا بر این عقیده است که مردم افغانستان طالب دولتی غیر از دولت کنونی نجیب الله هستند "کلی" اتحاد شوروی را بخاطر ارسال سلاح به دولت افغانستان مورد سرزنش قرار داد. وزارت امور خارجه



اسیل در شهر توکیو - ژاپن. بر اثر بارش باران شدید خیابان‌های شهر و قریب ۶ هزار خانه به زیر آب رفت.

نامه الکساندر دوبچک به رهبری چکسلواکی

دوبچک به رهبری حزب هشدار داد که رفع اشتباهات گذشته را به فشار از پایین و یا تصادف موقوف نکند. او سیاست اصلاحات خود را در سال ۱۹۶۸ با اصلاحات امروزین در اتحاد شوروی مقایسه کرد و با حملات افرادی از رهبری چکسلواکی به اصلاح طلبان مجاری ولستانی مقابله نمود. او ژان فوژنیک عضو هیات دبیران و واسیل بیلاک عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست چکسلواکی را بدین خاطر مورد سرزنش قرار داد که آن‌ها در گذشته هنگام اعلام حکومت نظامی در لهستان سکوت کردند اما اکنون اصلاحات را در آن‌جا مورد انتقاد قرار می‌دهند.

نامه الکساندر دوبچک رهبر سابق حزب کمونیست چکسلواکی، کمیته مرکزی و هیات سیاسی حزب کمونیست چکسلواکی را فرا خواند که با اپوزیسیون مذاکره کنند و نیم میلیون افرادی را که از حزب اخراج شده‌اند به حزب باز گردانند.

تهدید آتش بس در

نیکاراگوئه

دولت نیکاراگوئه آتش بس یک جانبه خود را که از ماه مارس سال گذشته آغاز شده مدت یک ماه دیگر تا ۲۱ اوت تمدید کرد. آتش بس به خاطر تامین شرایط بازگشت مخالفین دولت از هندوراس برقرار شده است. این آتش بس تمام مناطق نیکاراگوئه را شامل می‌شود. اما نیروهای مسلح نیکاراگوئه این حق را برای خود محفوظ می‌دارند که به هنگام حملات جنایتکارانه علیه مردم و اهداف نظامی به ضد حمله مبادرت کنند.

آتش بس یک جانبه دولت نیکاراگوئه، درگیری‌های میان نیروهای مورد حمایت آمریکا و واحدهای ساندینیست را به میزان قابل توجهی کاهش داده است. با وجودی که نیروهای مخالف دولت نیز آتش بس را پذیرفته‌اند، گاهی حملات پراکنده‌ای صورت می‌گیرد. بنا بر گزارشات رسمی تنها در ماه ژوئیه ۱۵۰۰ نفر کشته، زخمی و محقود شده‌اند.



راکووسکی به رهبری حزب متحد کارگری لهستان انتخاب شد

به عضویت هیات سیاسی درآمد و به عنوان نخست وزیر انتخاب شد. او هدف خود را در مقام رهبر حزب، تبدیل حزب متحد کارگری لهستان به یک حزب پراگماتیک چپ اعلام کرد. که به مارکسیسم و دستاوردهای بقیه در صفحه ۷

تبریکی از روح دوستی میان دو حزب و درک متقابل سخن گفت. راکووسکی، رهبر جدید حزب کارگری متحد لهستان، حدود ۲۵ سال سردبیر روزنامه پولیتیکا بود. وی از سال ۱۹۸۱ الی ۱۹۸۵ معاون نخست وزیر شد. او سه سال پس از برکناری خود از این سمت

مجلس در ۱۵ ژوئن مسئول شناخته شده و مورد حمله شدید قرار گرفته بود. اما بنا به گفته مقامات حزبی، اعضای کمیته مرکزی با این حال در او کسی را می بینند که بهتر از سایرین قادر است اصلاحاتی را که به وسیله یاروزلسکی آغاز شده است، ادامه دهد. یاروزلسکی استعداد مباحثه و اقناع راکووسکی را که با اتکا به آن قادر است سیاست حزبی را برای مبارزات سیاسی سالهای آتی مجهز کند، ستود. راکووسکی طی صحبت تلویزیونی کوتاهی اعلام کرد که حزب در موقعیت سختی قرار گرفته است. او آرزو کرد که حزب متحد کارگری لهستان را با کمک اعضای که بر همل شکست در انتخابات واقفند، از مشکلات موجود بیرون راند.

میخائیل گارباچف پس از انتخاب راکووسکی طی پیام

کمیته مرکزی حزب کارگری متحد لهستان روز شنبه گذشته میخائیل راکووسکی را که تاکنون نخست وزیر لهستان بوده است با ۱۷۱ رأی موافق در برابر ۴۱ رأی مخالف به عنوان دبیر اول کمیته مرکزی حزب انتخاب کرد. راکووسکی جانشین یاروزلسکی شده است که ۴ هفته پیش از انتخاب شدن به ریاست جمهوری، از همه مقامات حزبی خود به عنوان دبیر اول، عضو هیات سیاسی و عضو کمیته مرکزی استعفا داد. در نشست کمیته مرکزی حزب ده نفر از اعضای هیات سیاسی و هیات دبیران برکنار شدند. راکووسکی تنها کاندیدایی بود که توسط یاروزلسکی پیشنهاد شد. انتخاب او بسیاری از ناظرین را متعجب ساخت زیرا وی در نشست کمیته مرکزی به خاطر سیاست اقتصادی خود و شکست حزب در انتخابات



یاروزلسکی رئیس جمهور لهستان در کنار راکووسکی دبیر اول جدید

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> شش ماهه	اروپا	دیگر نقاط
نشریه «کار»	<input type="checkbox"/> يك ساله	۱۱ مارك	۱۳ مارك
		۲۱ =	۲۴ =
بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> سه ماهه	اروپا	دیگر نقاط
نشریه «اکثریت»	<input type="checkbox"/> شش ماهه	۲۷ مارك	۳۰ مارك
	<input type="checkbox"/> يك ساله	۵۲ =	۵۸ =
		۱۰۲ =	۱۱۵ =

آدرس كامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 269
MONDAY, 7AUG89

آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی
AUSTRIA . WIEN
BAWAG
IBANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFTI
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید

اعلام موجودیت فراکسیون در مجلس اتحاد شوروی

حزب و کشور، میخائیل گارباچف هستند. اما آنها در اجلاسیه بنیانگذاری فراکسیون خود در روز شنبه هفته گذشته از گارباچف خواستند که خود را از "اریستوکراسی حزبی" که در دولت و حزب کمونیست مقامات کلیدی را در اشغال دارد، رها کند. بنا به گفته بوریس یلتسین این بقیه در صفحه ۷

تعدادی از نمایندگان پارلمان شوروی به ایجاد یک فراکسیون مبادرت کردند. آنان یک هیات رئیسه معین نمودند که قرار است سالی یک بار تجدید انتخاب شود. بوریس یلتسین، رهبر سابق کمیته حزبی مسکو، به عنوان رهبر این فراکسیون برگزیده شد. رهبران این فراکسیون اعلام کردند که پشتیبان برنامه اصلاحات رهبر

